



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۱/۰۳

بصیر صباح

عنوان

رسانه ها، دولت و آزادی بیان در افغانستان

قسمت دوم



«سخنی داریم از رسانه ها، رسانه های ملی و میهنی، رسانه هایی که به آزادی بیان،

عقیده و قلم اعتقاد دارند

و پیوست به آن مروری می کنیم به تلویزیون روشنگری و روشن اندیشی (بهار)»

رسانه ها در یک ونیم دهه کنونی

میدان عمل رسانه ها در افغانستان باز و فراخ و گسترده اما بی مشکل نبوده است، بر طبق قوانین نافذ کشور مخصوصاً قانون رسانه های همگانی، هیچ نوع کنترل، نظارت، سانسور قبل از نشر یا بعد از نشر در کار رسانه ها وجود نداشته، دولت، مخصوصاً متولیان رسمی امور نشراتی، آزادی بیان و آزادی فعالیت رسانه ها را تضمین کرده و برای تقویه و حمایت از فعالیت آزاد روزنامه نگاری در کشور تعهد سپرده اند، اما مشکلات عرصه کاری رسانه

به اهتمام ولی احمد نوری

ها و روزنامه نگاران، مسائل دیگری بوده که بیشتر به ذات و خصلت نظام فکری جامعه، ادامه فرهنگ انباشته خود کامگی، سنت ها و شرایط عمومی ناشی از دو دهه بحران بر می گشته است.



مشکلات اقتصادی، آسیب پذیری های وظیفوی و فقدان نهاد های قوی مدافع حقوق روزنامه نگاران، بعضاً عوامل دیگری بوده که مانع از گردش آزاد اطلاعات صحیح در جامعه و فعالیت دقیق و روشنگرانه روزنامه نگاران می شده است. رشد رسانه ای افغانستان در دو

بُعد کمی و کیفی قابل بررسی است، از نظر کمیت، رسانه ها در افغانستان طی سال گذشته يك مسیر رشد یابنده، کثرت گرا و تکاملی را طی کرده اند.

یک و نیم دهه پیش در افغانستان، تنها يك نشریه وجود داشت به نام شریعت و فقط يك رادیو فعالیت می کرد به نام صدای شریعت، اما امروز، تنوع و تکثر کمی رسانه ها در افغانستان در سطح منطقه بی نظیر است، نگاه کوتاهی به شماره و عناوین رسانه های چاپی، صوتی و تصویری این تنوع و تکثر را به خوبی می نمایاند.

ثبت رسمی بیش از پنجم عنوان رسانه چاپی، بیش از پنجاه و پنج رادیوی خصوصی و چهارده تلویزیون شخصی و خصوصی که حداقل هفت تلویزیون بالفعل فعال اند، تأسیس بیش از صد مرکز تولیدات هنری سینمایی، بیش از يك صد و پنجاه مطبوعه شخصی و خصوصی و تأسیس ده ها نهاد تولید کننده مواد نشراتی از دستاورد های مهم فضای



جدید سیاسی در افغانستان است. از لحاظ توسعه سیستم ارتباطی نیز پیشرفت های زیادی صورت گرفته، یک و نیم دهه پیش افغانستان تنها از طریق چند دستگاه تلفون ستلایت با دنیای بیرون ارتباط داشت اما امروز، با انکشاف شبکه مخابرات در کشور، حتی شماری از قریه های دور افتاده نیز امکان برقراری ارتباط با داخل و خارج کشور را بدست آورده اند.

رسانه و ژورنالیزم در عصر جدید



توسعه کمی رسانه ها که به گسترش دامنه کار و عرصه فعالیت های روزنامه نگاری انجامیده، حد اقل این حسن را داشته که امروز حتی در دور افتاده ترین نقاط کشور کوچک ترین حادثه از چشم رسانه ها و ژورنالیستان دور نمی ماند، دامنه اطلاع رسانی در کشور واقعاً توسعه یافته است.

طی شش سال اخیر آشنایی ژورنالیستان با پیچ و خم کار حرفه ای، با مهارت ها و روش روزنامه نگاری بیشتر گردیده، سبک نوشتاری و نوع پرداخت به مسایل خوبتر و بهتر شده، زبان روزنامه نگاری در داخل افغانستان روان تر و پخته تر شده و مسائلی مانند اخلاق ژورنالیستی و معیارهای مسلکی در کار روزنامه نگاری افزایش یافته است. مهمتر اینکه رگه های تنیدی، خشونت و بد زبانی که در سال های آغازین روزنامه نگاری جدید به چشم می خورد، حالا تا حدودی نرم و ملایم و منطقی تر شد است. با این همه، ژورنالیزم تا رسیدن به جایگاه مسلکی، راه درازی در پیش دارد، ما هنوز در فضای نفسگیر بحران قلم می زنیم، نبض نوشته ها و فعالیت های رسانه ای ما هر روز با حوادث خشونت و ناامنی می زند، ادامه جنگ و افزایش فعالیت های هراس افکنانه، فضای کار رسانه ای افغانستان را ملتهب ساخته و مانع از تطبیق برنامه های اصلاحی و باز اندیشی روزنامه نگاران در کار حرفه ای خود شده است. مبنای علمی ضعیف ژورنالیزم موجود که ریشه در کاستی های نظام آموزشی و وضعیت عمومی فرهنگ در کشور دارد، مانع از خلاقیت و پویایی بیشتر روزنامه نگاری و مخصوصاً شکل گیری ژورنالیزم تحقیقی و روشنگر شده است، جامعه بین المللی به جای کمک به تقویت نهادهای آموزشی مؤثر و انجام يك کار بنیادی تر، طی شش سال گذشته، بیشترین دارایی ها را صرف فعالیت های نمادین، کار تونی و بی حاصلی مانند برگزاری ورکشاپ هایی بی شمار و پر مصرف کرده است.

رسانه ها و بحران امنیتی

افزایش نا امنی ها و قدرت گیری بیشتر گروه ها و حلقهات فشار مخالف آزادی بیان و مخالف گردش آزاد اطلاعات در جامعه، چشم انداز آینده را تیره ساخته است. آن چه که این بدبینی ها را می افزاید و سبب سلب اعتماد روزنامه نگاران نسبت به آینده می شود، علاوه بر اوضاع نا مساعد عمومی، تلاش هماهنگ نهاد های دولتی برای محدود کردن فضای آزادی بیان از طریق ایجاد تغییرات بنیادی در قانون رسانه های همگانی از يك سو و خزیدن دستگاه، در پناه تفکرات معارض با ارزش های مدنی و فرهنگ مردم از سوی دیگر است، برجسته ساختن نقش دولت

در عرصه رسانه ها و باز کردن دست نهاد های حکومتی در مدیریت رسانه ای کشور به معنای گام گذاری در مسیر خلاف روند سیاسی است که شش سال پیش بر اساس فیصله نامه بن در سال ۲۰۰۱ میلادی آغاز شده است.

پس از سقوط طالبان و آمدن رسانه های جدید، بخصوص پس از آمدن تلویزیون های خصوصی از سال ۲۰۰۲ به بعد ناگهان در این زمینه انفجار عظیمی روی داد که چهره شهر ها و رسانه های افغانستان را دگرگون کرد. مقدار آگهی ها برای اموال بی شماری که از خارج به افغانستان وارد می شود، و نیز معرفی اموال افغانستان از جمله فروش زمین، و آگهی تلفون های همراه بخشی از این تبلیغات است که در رادیو های خصوصی و دولتی و همچنین تلویزیون های افغانستان به چشم می خورد. گرچه قیمت تبلیغات در افغانستان در مقایسه با کشور های همجوار چندان بالا نیست، اما در پنج شش سال گذشته توانسته چندین ایستگاه تلویزیونی، رادیو های محلی و چند روزنامه غیر دولتی را سرپا نگهدارد. هر ناظر مستقلی پس از مشاهده اوضاع جاری در افغانستان به نکاتی بر می خورد که بعضاً او را نسبت به آینده این کشور خوشبین و بعضاً بد گمان می کند. آنچه بیش از همه قابل تأمل و اندیشه است اینست که، نه تنها در ریشه کن کردن سیستم و شیوه های قوماندان سالاری و حاکمیت تفنگ کار مؤثری صورت نپذیرفته، بلکه به صورت مستقیم و غیر مستقیم در تقویه پایه های سیاسی و قدرت اقتصادی آنان مؤثریت روا داشته شده است. در حالیکه در اوضاع کنونی و در طی این سال ها این انتظار موجود بود که در عرصه های تأمین امنیت، بازسازی و قانونمداری، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نابه سامانی ها کار های بزرگی انجام می شد اما این اهداف تحقق نیافته باقی مانده و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین کننده امنیت و ادامه دهنده باز سازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی در حال بدل شدن به یأس تلقی می شود.

پایان قسمت دوم

ادامه دارد

بخش اول این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/b_sabah_ressaanahaa_wa_aazaadi_bayaan_۱.pdf